

تقویم هنر و ادب به روایت یک قرن انتشار روزنامه اطلاعات - ۵۶

آغاز انتشار یومیۀ روزنامۀ رسمی کشور به قیمت دو عباسی

۲۸ فروردین ۱۳۰۸



درچنین روزی در اعلانی از سوی کاظم سمیعی، مدیرکل ثبت اسناد و املاک کشوردرجریده اطلاعات اعلام شد که مجله رسمی وزارت عدلیه که از اول خرداد۱۳۰۷ شروع به انتشار نموده و قریب یازده ماه است که ازقرار هفته ای سه شماره منتشر می گردد، نظر به کثرت قوانین و تراکم احکام تمیزی و ازدیاد اعلانات ثبت اسناد، لزوم یومیه شدن آن احساس می شود و اینک از اول اردیبهشت ماه ۱۳۰۸ به طور یومیه منتشر خواهد شد و با وجود این که مخارج این مجله از حیث خوبی کاغذ و مخارج صحافی خیلی بیش از مخارج جراید یومیه می باشد، مع ذلک قیمت آبونمان وهمچنین تک فروشی آن را برای این که مورد استفاده عموم واقع گردد، خیلی کمتر از مخارج معین وقیلا به اطلاع عموم می رساند که دوره یک ساله ۸۰ قران، شش ماهه ۴۲قران و تکفروشی دو عباسی برای داخله و برای خارجه دوره یک ساله ۱۲۰قران، شش ماهه ۶۲ ریال و تک شماره دو عباسی به اضافه اجرت پست .

لازم به توضیح است که ابتکار تأسیس این روزنامه از آن محمدعلی فروغی (ذکاء الملک که عکس او را در اینجا مشاهده می کنید) است که هنگام نمایندگی دوره دوم مجلس شورای ملی، این طرح را در اردیبهشت ۱۲۸۹ به مجلس داد. در ۲۶ مهر ۱۲۸۹ که فروغی رئیس مجلس شده بود، طرح تأسیس روزنامه رسمی که در کمیسیون معارف تدوین شده بود، با یک فوریت به رأی گذاشته و تصویب شد. مجلس در هجدهم اسفند ۱۲۸۹ برای شش ماه نخست فعالیت روزنامه ملی ۴۳۴ تومان بودجه تصویب کرد.

برگزاری کنسرت واریته طاطایی در سالن سینای تهران

۲۸ فروردین ۱۳۲۷

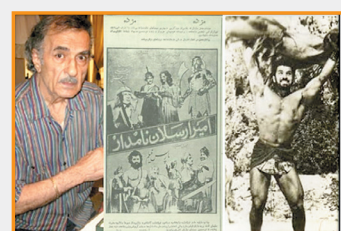
درچنین روزی درجریده اطلاعات اعلام شد که کنسرت «واریته طاطایی» در سالن سینا واقع درخیابان نادری، کوچه نوبهار، روز پنجشنبه شانزدهم اردیبهشت از ساعت ۷بغاز ظهر با اشتراک اولین خواننده ایران وبا اشتراک



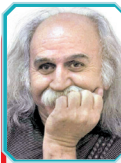
جمعی از نوازندگان زبردست و نمایش کمندی سراسرخنده با اشتراک عده ای از هنرپیشگان معروف ایران برگزار می شود. درباره مرحوم حسین قلی طاطایی این توضیح را بدهم که وی متولد سال ۱۲۸۲ در تهران و پدرش محمدخان طاطایی معروف به «عطاءالملک» است که صدایی خوش داشت و با ردیف های موسیقی ایرانی آشنا بود. به همین علت فرزندش را از کودکی به فراگیری موسیقی تشویق کرد. حسین قلی از دوازده سالگی ردیف موسیقی ایرانی را نزد پدر آموخت. هفده ساله بود که به مدرسه موزیک نظام راه یافت و به مدت هشت سال تحت نظر غلامرضا مین باشیان به تحصیل موسیقی پرداخت. حسین قلی در جوانی پدرش را از دست داد و به پاس احترام به خواست و وصیت او همزمان با تحصیل، موسیقی ایرانی را خارج از مدرسه نزد هنرمندانی چون درویش خان، علیرضا چنگی و میرزا عبدالله فرا گرفت.

اکران فیلم امیر ارسلان نامدار و سالروز خاموشی هر کول ایران

۲۸ فروردین ۱۳۳۴



درچنین روزی جریده اطلاعات با چاپ پوستر فیلم سینمایی «امیر ارسلان نامدار»، از اکران این فیلم در سینماهای تهران خبر داد. این فیلم به کارگردانی شاپوریاسمی ومحمول استودیو پارس فیلم است که در آن بازیگرانی چون: ایلووش خوشایه (معروف به هر کول ایران)، روفیا، محمد ابراهیم مفیدی، حسین امیرفضلی، حسین محسنی، ابراهیم کوشان، کوروش کوشان، فرامرز معطر وسهیلا سخن سنخ به ایفای نقش پرداختند. به همین بهانه یاد می کنیم از مرحوم «ایلووش خوشایه» که در آن سال ها به هر کول ایران معروف شد و علتش هم بازی درچنین فیلم هایی بود. او در سال ۱۳۱۱ در شهر ارومیه به دنیا آمد و از کودکی علاقه وافری به ورزش داشت.



• حسن فرازمنند

به همین دلیل در زمینه پرورش اندام شروع به فعالیت کرد و در سال ۱۳۲۵ ضمن شرکت در مسابقه زیبایی اندام، قهرمان کشور شد و یک سال بعد نیز در رقابت های «قهرمانان قهرمانان پرورش اندام» مقام اول را کسب کرد. او در باشگاه «بیر» در خیابان امیریه ورزش می کرد و شغل اصلی اش تراشکاری بود. سپس به پیشنهاد صابر رهبر و وساطت دلکش، راضی شد تا وارد حرفه بازیگری شده و نخستین بار در سال ۱۳۳۳ خورشیدی در فیلم امیر ارسلان نامدار در نقش امیر ارسلان ظاهر شود. ساخت این فیلم یک سال و اندی به طول انجامید و در سال ۱۳۳۴ به اکران عمومی درآمد. پس از آن در فیلم های قزل ارسلان و بیژن و منیژه هم هنرنمایی کرد. ایلووش مدت ها بود از بیماری ریوی و کلیوی رنج می برد و بعد از یک هفته بستری شدن در بخش مراقبت های ویژه بیمارستان دی تهران، سر انجام در روز سه شنبه ۲۹ فروردین ۱۳۹۱ در ۸۰ سالگی و همزمان با سالگرد اکران اولین فیلم خود یعنی «امیر ارسلان نامدار» درگذشت.

برگزاری نخستین هزاره بزرگداشت ابوعلی سینا در تهران

۲۸ فروردین ۱۳۳۳



درچنین روزی درصفحه اول جریده اطلاعات اعلام شد که جشن هزاره ابوعلی سینا از روز چهارشنبه آغاز می شود. در این گزارش همچنین ذکر شده است که به مناسبت برگزاری جشن هزاره دانشمند شهیر ایرانی، توجه محافل فرهنگی دنیا به سوی ایران جلب شده است ومؤسسات فرهنگی ایران، خود را برای پذیرایی از مستشرقین خارجی آماده می کنند. در این گزارش همچنین یادآوری شده است که همزمان با این جشن در دیگر شهرهای کشور برگزار می شود و از طرف مؤسسات فرهنگی هدایایی به مناسبت جشن هزاره تقدیم خواهد شد و تاکنون مستشرقین ودانشمندان کشورهای امریکا وانگلیس و هلند و ترکیه و پاکستان وارد تهران شده اند. در عکس بالایی که درصفحه اول روزنامه اطلاعات به چاپ رسیده، تعدادی از مهمانان جشن هزاره دیده می شوند که به ترتیب از راست به چپ عبارتند از: آقایان احمد آتش (دانشمند ترک) پارسوس وابسته مطبوعاتی سفارت انگلیس در تهران، لاکهارت مستشرق انگلیسی، امریکایی و میهماندار درفردگاه مهر آباد. و درعکس پایین نیز شماری از برگزار کنندگان این هزاره دیده می شوند که به ترتیب از راست به چپ عبارتند از: احمد پارسا، هانری ماسه، علی اکبر سیاسی، مهندس اشراقی و مجتبی مینوی.

انتشار چهارمین چاپ کتاب «سرگذشت ورت» با ترجمه نصرالله فلسفی

۲۸ فروردین ۱۳۳۳



درچنین روزی درجریده اطلاعات اعلام شد که چاپ چهارم کتاب «سرگذشت ورت» اثر جاودانه «گوته» شاعر وفیلسوف بزرگ آلمانی با ترجمه ای از دانشمند ارجمند آقای نصرالله فلسفی استاد دانشگاه تهران منتشر شد. در این اعلان آمده است که این اثر جاودانی تاکنون به تمام زبان های زنده دنیا ترجمه شده و میلیون ها نسخه آن در سراسر جهان چاپ و انتشار یافته است. این کتاب شرح حالی از ایام جوانی «ژان ولفگانگ گوته» است وطی آن سرگذشت جوانی به نگارش درآمده که به خاطر عشق دختری که متعلق به او نیست و همسر دارد، خودکشی می کند.

تنها بیان نیست قهرمان پر تاب دیسک فرانسه در انجمن فیلامونیک تهران

۲۸ فروردین ۱۳۳۳



درچنین روزی دراعلانی درجریده اطلاعات اعلام شد: انجمن فیلامونیک تهران به اطلاع عموم می رساند که خانم «میشلین اوستر مایر» پیاپیست شهیر فرانسوی، در روزهای اول اردیبهشت و پنجم اردیبهشت، دو کنسرت پیاپی برای انجمن اجرا می کند. در اعلان دیگر نیز خاطر نشان شده است که هشتمین برنامه انجمن در روز دوشنبه ۳۰ فروردین در تالار نمایش اداره کل هنرهای زیبای کشور واقع در خیابان کمال الملک تهران برگزار می شود. در اطلاعیه های مزبور اشاره ای نشده که خانم «میشلین اوستر مایر»، یکی از قهرمانان پر تاب دیسک در فرانسه است. اما سایت موسیقیدانان فرانسه با چاپ عکس ها و فعالیت های او درباره اش نوشت: «میشلین اوستر مایر فرانسوی، تنها پیاپیست قهرمان در بازیهای المپیک به شمار می آید».

نوشته های پراکنده

محمد صالح علاء

این همه عجله چرا؟!...

گاهی خودم را دعوت می کنم به نوشیدن چای، نسکافه ای در جای خلوتی که خودم باشم و خودم. من و من تنها باشیم. خودم با خودم گفتگو کنم. وقتی با خودم معاشرت ندارم، مشورت نمی کنم، وقتی بی مطالعه کاری را انجام می دهم، باید برای آن هزینه های بیشتری بپردازم. در حالی که خودم می دانم تجربه ای که با ۲۰ هزار تومان به دست می آید، ارزان تر است از تجربه ای که با ۲۵ هزار تومان به دست می آید.



تشخیص سود و زیان در زندگی، نیاز به خود زیادی ندارد. کافی است من کمی عقل داشته باشم، حساب و کتاب بلد باشم. من باید از

خودم بپرسم که چرا با عجله زندگی می کنم؟ چرا تند می روم، تند برمی گردم؟ چرا در زندگی این همه بوق می زنم؟ در حالی که دیگر موجودهای عالم بوق ندارند، بوق نمی زنند، عجله ندارند. هستی بر مدار ضربانگی طبیعی است. باید به آسمان نگاه کنم ببینم خورشید نباید و نمی تواند با عجله طلوع و غروب کند. ماه، ستاره ها، زمینی که روی آن سکونت داریم، درخت ها و فصل ها با عجله جا به جا نمی شوند. چون ساعت هستی برای عجله کردن کوک نشده. همچنان که نمی توان با عجله عاشق بود. می توان عاشقی دستپاچه بود. دل دل زد زیرا از ازل عاشق ها در سیل تند افتاده اند. اما با عجله نمی توان خیال بازی ها کرد چنان که نمی توان با عجله به دنیا وارد شد.

آدمی که با عجله به دنیا وارد می شود، ناقص است. نمی توان با عجله بالغ شد، با عجله بزرگ شد. مگر می توان با برگزاری بزرگداشت های پی در پی، چاپ عکس های بزرگ، بزرگ شد؟ چنان که با عجله نمی توان خوش بود. همچنان که نمی توان با عجله غصه خورد، با عجله گریه کرد، با عجله آه کشید. خود هستی عجله ای ندارد. عجله من، کارهای خودم و دیگرها را خراب می کند. حالا مثالی بزنم. البته شاید مثال پیش پا افتاده باشد؛ چون یکی دیگر از عیب های من این است که اغلب من دو نفرم! همیشه یک من خصوصی و یک من عمومی در من است. وقتی مهمان دارم، خودم و خانه را آراسته می کنم. سفره ای می اندازم با بهترین بشقاب ها که دارم، قاشق و چنگال هایی که برق می زنند، گلدان بلوری با چند شاخه گل، نمکدان، فلفل دان. اما مهمان که ندارم، ناهارم را توی همان قابلمه می خورم با همان قاشقی که غذا را هم زده ام. به جای لیوان، از سر شیشه آب می نوشم؛ زیرا من با خودم رودریاستی ندارم.

وقتی با خودم رودریاستی نداشته باشم، فکرهای ناپسندی به سرم می زند. فکرهایی که نمی توانم به شما بگویم. چنان که گاهی وسط آن فکرها به خودم نهیب می زنم می گویم: آی... دامن تر مکن، هوشیار باش. شخصیت تو را همین خیال ها می سازند. به قول مولانا: خیال دکان به دکان می برد، خیال باغ به باغ. با خودم رودریاستی ندارم و خیال هایم در حال رفت و آمد به دکان هایی با متاع ناجور است. پس بهتر است که با خودم رودریاستی داشته باشم. برای خودم احترام قائل باشم که اینها همه منشأ فرهنگی دارند و زندگی پر از کتاب هاست. البته با عجله نمی توان کتاب خواند و به شناخت و توانایی رسید. گاهی از خودم می پرسم چرا من زمان زیادی از عمرم را صرف عجله کردن می کنم؟ چرا خواسته ام با عجله همه چیز را وادار به اتفاق افتادن کنم؟ من باید بدانم با عجله نمی توان دنیای بهتری ساخت. عبرت بگیرم از آنها که با عجله ویران کردند، با عجله کشتند، با عجله بردند و خوردند و محکوم به نفرین و نفرتی مؤید شده اند.